

نو جوانان قهرمان و استثنائات

در هفته جاری نتایج امتحان کانکور برای سال ۱۳۸۸ اعلان گردید که از میان هشتاد هزار نو جوان شامل دختر و پسر، تقریباً نیمی آن در مؤسسات تعلیمی عالی انتخاب گردیدند که بهمه شان مبارک باشد.

ارزومندم تا امتحانات کانکور بدون هیچگونه تقلبی سپری شده باشد تا حق انانیکه مستحق اند پامال نگریده باشد. همزمان با اعلان این نتایج به چند برجستگی ویژه در رابطه با این دانش آموزان برخوردیم که خواستیم انرا با عده بی از هموطنان در میان بگذاریم.

۱- جوانان با استعداد و پرتلاشی را میبینیم که نمرات خیلی بلند رابدست آورده اند و در رأس آنها جوان پرکار و با استعداد آقای محمد امیر فرزند محمد حسین میباشد که توانست با گرفتن ۲۴۶,۵ نمره بیرقدار این لشکر علم و دانش گردیده و شامل رشته طب معالجوی پوهنتون کابل شود..

۲- وجود یک فامیل جوان در لست این پیروز شدگان، چشمگیر و قابل توجه است. این فامیل جوان که شامل دو خواهر و یک برادر بنام های: فرشته، هدی و احمد مصطفی فرزندان آقای عبدالکریم فروتن میباشد، با گرفتن نمرات بلند شامل رشته های طب معالجوی و انجنیری ساختمانی گردیدند. این سه خواهر و برادر با وجود تفاوت سن میان شان، هر سه با درجه اول از صنف ۱۲ مکاتب خویش فارغ گردیدند که خورد ترین آنها دوشیزه هدی در سن ۱۴ سالگی توانست مکتب را تمام نموده و بعد از امتحان کانکور به رشته طب کامیاب گردد، چنانچه خواهرش دوشیزه فرشته هم بلند ترین نمره را در بین دوشیزگان شامل در کانکور، بخود اختصاص داده است. این نوجوانان مایه افتخار پدر و مادر، که خودشان نیز اهل دانش و فضلند میباشدند.

۳- نکته مهمتر بنظر من در رابطه به دانش آموزان برجسته، این امید آینده کشور ما مسئله بورس ها و جذب شان به بعضی از پوهنتونهای خارج از کشور اند. چنانچه میدانیم، مدتی قبل از شاگردان ممتاز فارغ شده از مکاتب دعوت بعمل آمد تا جهت گرفتن بورسهای تحصیلی داخل یک مسابقه از مومن شده، تا چند صد جوان برجسته تر را از میان برجسته ها برای تعلیم به یکی از کشور ها بفرستند.

رشته این بورسها تا هنوز تعیین نشده و بعد از رفتن این جوانان برایشان از جانب کشور میزبان تعیین میگردد! آنچه قابل اندیشه میباشد این است که تعداد زیادی از جوانان با استعداد و امید آینده کشور ما بعد از انهمه تباهی و بر بادیکه طبقه علمی و اندیشمند کشور ما از کودتای ثور ببعد داده اند، به یک آینده مبهم و مجهولی دعوت میشوند. این چشم امید نسل علمی آینده کشور وقتی به کشور میزبان میروند غالباً در رشته هایکه مورد علاقه شان نبوده و اکثراً رشته های غیر اساسی برای ترقی و تعالی کشور میباشد معرفی میشوند که سبب دلسردی و یأس این فرزانه گان گردیده، شعله های استعدادشان بسرعت فروکش کرده و کشور ما بصورت دیگری ضربه دردناک و جبران ناپذیری را متحمل میگردد. این جوانان غالباً با از دست دادن چانس شان در تعقیب رشته های مورد علاقه شان در کشور و همچنان وضعیت نا بسامان کشور، از عودت بوطن خود داری کرده بدین ترتیب یک قشر با استعداد خود را از دست میدهم، که اولیای امور در کشور آگاهانه و یا نا آگاهانه سبب کشتن استعداد های برجسته و نو پای جوانان ما میگرددند.

بنظر من اگر رشته های تحصیلی قبل از دخول در امتحان اینگونه بورسها، تعیین گردد شاید بتوان تا اندازه زیادی جلو پاشیده شدن استعداد های جوانان خود شویم چون هر کاندید میتواند بین رشته های مورد علاقه اش یکی را انتخاب نماید و در صورتی که در رشته مورد علاقه اش در این بورسها بهدفع نرسید چانسش را در مؤسسات تعلیمی داخل کشور از دست نمیدهد و میتواند در آینده به گونه مناسبتری در خدمت وطن و هموطنانش قرار گیرد. باید منکر این نباشیم که مؤسسات تعلیمی داخل کشور هم میتواند استعداد های شگوفان اولاد وطن را پر بار نموده و از ان شخصیت

های دانشمندی بار ارد . مسئولین کشور باید با تشکر از کشور های دعوت کننده بخواند تا جوانان ما را در رشته هاییکه به ان ضرورت داریم بپذیرند، نه اینکه باعث به خاکستر کشیدن این استعداد ها باشند.

این جوانان و استعدادهایشان امانتی بردوش اولیای امور اند، که در رشد و نموی شان نباید بی توجهی شود.